



اعمال فشارهای اسرائیل و آمریکا سیاست خارجی مصر را شکل می‌دهد

مرکز تحقیقات الزیتونه در مقاله‌ای با اشاره به احداث دیوار فولادی توسط رژیم مصر می‌نویسد: فشارهای دو جانبه‌ای که قاهره از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی متحمل می‌شود به مرور زمان به عامل شکل دهنده سیاست خارجی مصر تبدیل شده است...

مرکز تحقیقات الزیتونه در مقاله‌ای با اشاره به احداث دیوار فولادی توسط رژیم مصر می‌نویسد: فشارهای دو جانبه‌ای که قاهره از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی متحمل می‌شود به مرور زمان به عامل شکل دهنده سیاست خارجی مصر تبدیل شده است. به گزارش فارس مرکز تحقیقات "الزیتونه" در مقاله‌ای از "عرب‌الرتناوی" مدیر مرکز تحقیقات سیاسی قدس در عمان به بررسی اقدام مصر در احداث دیوار فولادی بر سر مرزهایش یا نواز غزه کرده و بازتاب‌های احداث این دیوار را در ابعاد مختلف آن مورد تحلیل قرار داده است.

الرتناوی در این باره می‌نویسد: به نظر می‌رسد رژیم مصر در احداث دیوار فولادی با وجود اعتراض‌های داخلی و خارجی و مشکلاتی که برای یک و نیم میلیون فلسطینی تحت محاصره در نوار غزه ایجاد می‌کند، مصمم است. وی در ادامه اضافه می‌کند: فشارهای آمریکایی- صهیونیستی نقش مهمی در ساخت این دیوار بازی می‌کنند، این درحالی است که خشم و غضب رژیم مصر از حاکمیت حماس بر نوار غزه که نماد حاکمیت یک جنبش اسلامگرا و ادامه فعالیت "اخوان المسلمین" مصر در فلسطین است، مقامات این کشور را به ادامه و تشدید فشار بر این جنبش جهت واداشتن آن به همراهی و همگامی با خط مشی و سیاست‌های مصر یا کناره‌گیری از مشارکت در قدرت وامی‌دارد.

الرتناوی معتقد است که با این که احداث دیوار مشکلات بسیاری را برای ساکنان غزه ایجاد خواهد کرد اما انتظار نمی‌رود این مشکلات تأثیری بر روند تصمیم‌گیری‌های حماس داشته باشند و چه بسا این مشکلات چهره کریه و زشت رژیم مصر را بیش از پیش برای ملت مصر و فلسطینی‌ها و جهان عرب و اسلام و حامیان ملت فلسطین نمایان سازد.

این کارشناس سیاسی در ادامه می‌نویسد: روزنامه "هآرتس" اولین روزنامه‌ای بود که خبر احداث دیوار فولادی توسط مصر را منتشر کرد. این روزنامه در شماره مورخ 2009/12/11 خود نوشت که دیوار در امتداد مرزهای مصر با نوار غزه احداث خواهد شد تا رفت و آمد ساکنان نوار غزه به مصر و تردد آنها در تونل‌ها را غیرممکن کند و در توصیف دیوار فولادی نوشت که این دیوار متشکل از ورق‌های محکم و غیر قابل نفوذ فولادی است و مقاومت و بازدارندگی آن بارها مورد انواع آزمایش‌ها قرار گرفته و پس از ساخت در آمریکا از دریا به مصر منتقل خواهد شد.

*تامین هزینه ساخت دیوار فولادی بوسیله آمریکا
"کارین ابوزید" نماینده آژانس امداد و کاربایی آوارگان فلسطینی (آنروا) این دیوار را مستحکم‌تر از "خط بارلیف" توصیف کرد و توضیح داد که هزینه ساخت این دیوار را واشنگتن برعهده گرفته و بسیار متأسف که کشوری چون مصر در اجرای چنین سناریویی مشارکت دارد.

مدیر مرکز تحقیقات سیاسی قدس در عمان در ادامه مقاله خود می‌نویسد: مصر در برابر اخبار منتشره پیرامون ویژگی‌های دیوار و عملکردها و تأمین بودجه و و اهداف مورد انتظار سه واکنش از خود نشان داد:

- یک: سکوت مطلق؛ مقامات مصری در ابتدا در برابر واکنش‌های بین‌المللی سکوت کردند و در برخی موارد حتی منکر اتخاذ چنین تصمیمی توسط دولت مصر شدند و مسئله را به طور کامل نفي کردند.

- دو: در مرحله بعد و پس از این که رسانه‌های مختلف جهان تصاویر و اخبار مشروح و مفصلي از روند ساخت و احداث دیوار منتشر کردند، دولت مصر مجبور شد لب به سخن بگشاید و در ابتدا تلاش کرد از اهمیت این دیوار بکاهد و احداث آن را به عملیات‌های مسلحانه بر سر مرزهایش با نوار غزه و تقویت امنیت ملی مصر با انگیزه‌های مصری و حمایت‌های مصری مرتبط سازد و منکر هرگونه هماهنگی و همکاری با رژیم صهیونیستی و آمریکا در این زمینه شد.

- سه: اتخاذ موضع حمله و هجوم چند سویه با ادات و وسایل مختلف علیه نیروها و طرف‌هایی که به موضع مصر در برابر احداث دیوار انتقاد کرده یا خواهان توقف ساخت و احداث این دیوار شده بودند، در این چارچوب حملات پیشگیرانه مصر بر موارد ذیل تأکید داشت:

1- کاهش اهمیت دیوار فولادی و تلاش جهت تحریف افکار عمومی جهان از ساخت دیوار فولادی به سوی احداث زیرساخت‌ها یا ساختارهایی زیربنایی مصری بر سر مرزهای این کشور با نوار غزه تا با مسکوت نگه داشتن موضوع از انتشار اخبار مربوط به آن در رسانه‌ها ممانعت به عمل آورد.

2- تلاش برای بی‌ارتباط جلوه دادن احداث این ساختارهای زیربنایی و عملکردها و اهدافشان با محاسبات امنیتی رژیم صهیونیستی.
3- تأکید چندین باره بر این امر که اقدامات مصر در چارچوب مرزها و درون اراضی این کشور و حق "حاکمیت" مصر بر مرزها و "حفظ امنیت ملی" خود صورت می‌گیرد و در این باره نیازی به در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال نوار غزه و بسته بودن مرزها و تونل‌های آن نیست.

4- تلاش جهت مرتبط ساختن احداث دیوار با ادعاهای قاهره در زمینه "تقویت" مرزها و امنیت ملی مصر از یک سو و جلوگیری از وقوع عملیات‌های تروریستی که مراکز سیاحتی و گردشگری این کشور را به ویژه در "شرم‌الشیخ" و "طابا" و "دهب" هدف قرار

می‌دهند از سوی دیگر؛ بی‌آن که دلیلی قاطع مبنی بر انجام و اجرای آن عملیات‌ها از جانب نوار غزه وجود داشته باشد. 5- تحریک "ملی‌گرایی مصری" جهت مقابله و رویارویی با فلسطینی‌ها به طور عام و جنبش حماس به طور خاص، به طوری که برخی از رسانه‌های وابسته به دولت اخباری مبنی بر هدف‌گیری امنیت و حرمت و حاکمیت و امنیت مصر به واسطه فلسطینی‌های نوار غزه منتشر کردند.

6- به خدمت گرفتن عوامل مذهبی و ایدئولوژیک رژیم؛ در این زمینه دولت مصر تلاش کرد از "الازهر" کمک بگیرد تا فتاوی از جانب مفتیان مبنی بر مجاز بودن ساخت دیوار بگیرد.

الرتناوی با اشاره به واکنش‌های تند و انتقادآلود داخلی و خارجی در برابر احداث دیوار فولادی می‌نویسد: این فشارها و اعتراض‌های داخلی و خارجی نتوانست رژیم مصر را از تصمیم خود منصرف کند یا موجب تجدید نظر این کشور در احداث آن شود، بلکه بر عکس "حسني مبارك" رئیس‌جمهور مصر شخصا متعهد شد بر احداث دیوار نظارت کند و تصمیم گرفت خود وارد عرصه مبارزه تبلیغاتی و سیاسی با جنبش حماس و هم‌پیمانان و طرفداران آن شود. به همین منظور گاهی از لحن تند و تهدیدآمیز و گاهی از لحن آرام و نرم استفاده کرد، همین امر این سوال را در ذهن کارشناسان امر مطرح ساخت که چرا رژیم مصر تا این اندازه بر احداث این دیوار تأکید می‌کند.

*مصر پیشقدم در خدمت به آمریکا و رژیم صهیونیستی

الرتناوی معتقد است، تحلیلگران و کارشناسان جهان این موضع‌گیری مصر را به نقشی ارجاع می‌دهند که این کشور در عملیات "سرب گذاخته" بازی کرد و موجب توقف این عملیات علیه نوار غزه شد و همه می‌دانند، رژیم صهیونیستی شرط اساسی توقف عملیات را ضمانت‌های آمریکایی، اروپایی و مصری مبنی بر نظارت بیش از پیش بر خطوطی که به ادعای آنها سلاح و تجهیزات جنگی و موشک از آن طریق وارد نوار غزه می‌شود. در همین راستا آمریکا و فرانسه و برخی از کشورهای اروپایی متعهد شدند نظارت‌های خود را بر گذرگاه‌های آبی بحرین و دریای مدیترانه و سرخ دو چندان کنند و از مصر نیز خواستند تا نظارت و کنترل بر مرزهای زمینی‌اش با غزه را تشدید کند و در این میان واشنگتن و پاریس ملزم به ارائه کمک به قاهره شدند تا مصر اقدامات خود را در نظارت بر تردد در تونل‌ها و مرزهایش با نوار غزه و کنترل مناطق دریایی هم‌جوار با سواحل فلسطینی را تشدید کند.

الرتناوی تأکید می‌کند با این که قاهره جایی در موافقتنامه امنیتی آمریکا- رژیم صهیونیستی نداشت و نه آمریکا و نه رژیم صهیونیستی تمایل نداشتند اتخاذ ترتیبات امنیتی در خاک مصر صورت گیرد، اما این کشور خود را پیشقدم اجرای این ترتیبات کرد و خاک سرزمین خود را در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داد تا در خدمت نظریه توسعه طلبانه امنیتی رژیم صهیونیستی قرار گیرد و این موضوعی است که مقامات رژیم صهیونیستی بارها بر آن تأکید داشته و عنوان می‌کردند "اقدامات مصر بزرگترین خدمت را به امنیت اسرائیل می‌کند".

در ادامه مقاله عریب الرتناوی که مرکز تحقیقات الزيتونه آنرا منتشر کرده می‌خوانیم: احداث دیوار با این که طرف‌های فلسطینی و از جمله حماس را در فشار و تنگنا قرار خواهد داد و عامل اصلی این بحران رژیم مصر است، اما همین امر خشم و غضب مصری‌ها و فلسطینی‌ها و افکار عمومی جهان را به دنبال خواهد داشت که افزون بر بروز بحران‌های داخلی در مصر به وجهه و جایگاه بین‌المللی این کشور نیز ضربه وارد خواهد کرد و در این میان حماس بی‌شک از شرایط پیش آمده به نفع خود بهره‌برداری خواهد کرد.

مدیر مرکز تحقیقات سیاسی قدس در عمان در ادامه به بررسی مشروح دیدگاه استراتژیست‌ها و کارشناسان درباره اتخاذ این تصمیم به واسطه مصر می‌پردازد: استراتژیست‌ها و کارشناسان و تحلیلگران اتخاذ این موضع از جانب مصر را به عوامل و دلایل چندی ارجاع می‌دهند که می‌توان آن را به عوامل و دلایل کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم کرد:

1- عوامل بلند مدت از جمله:

- فشارهای دو جانبه‌ای که قاهره از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی متحمل می‌شود به مرور زمان این فشارها به عامل شکل دهنده سیاست خارجی مصر تبدیل شده و قید و بندهایی امنیتی، نظامی و سیاسی بر دست و پای رژیم مصر نهاده‌اند، افزون بر این که سیاست خارجی مصر به سوی استراتژی آمریکا در منطقه گرایش دارد.

- عامل دوم را باید در سیاست داخلی مصر و به ویژه در احتکار قدرت به واسطه "حسني مبارك" و رابطه آن با جنبش‌های اسلامی جستجو کرد. در مورد احتکار قدرت رژیم مصر تلاش می‌کند، پشتوانه ادامه حاکمیت خود را حمایت‌های آمریکایی و صهیونیستی قرار دهد و در زمینه جنبش‌های اسلامی نیز مصر در هراس است مبادا نفوذ حماس به کشور مصر هم کشیده شود، چون حماس را ادامه و استمرار جنبش "اخوان المسلمین" تلقی می‌کند، به همین دلیل معتقد است باید پیش روی فعالیت هر دو جنبش موانعی ایجاد کرد تا مبادا به قدرت رسیدن حماس در غزه موجب گسترش نفوذ اخوان المسلمین در مصر شود و این جنبش را وارد عرصه سیاسی کند.

2- عوامل کوتاه مدت یا مستقیم

الرتناوی معتقد است که در این چارچوب رژیم مصر تلاش دارد اهداف تاکتیکی ذیل را محقق کند:

- برجیدن حاکمیت حماس در نوار غزه و تغییر افکار عمومی فلسطینی‌ها علیه حکومت آن و توطئه برای براندازی حاکمیت حماس یا به تسلیم واداشتن آن به بهانه ناکامی و عدم توانایی در حکومتداری.

- از بین بردن حمایت‌های تسلیحاتی، مالی و خارجی حماس و در تنگنا و فشار قرار دادن آن، چون دولتی که سه هفته با رژیم صهیونیستی جنگ سختی داشته جهت آماده نگهداشتن خود نیازمند تجدید قوا است که این تجدید قوا توسط تونل‌ها صورت می‌گیرد.

- واداشتن حماس به پذیرفتن مواضع و دیدگاه‌های مصر در زمینه سازش، قاهره که اخیرا دریافته بود در سال‌های گذشته چه

جایگاهی در میان کشورهای عربی داشته است، تلاش کرد با حل قضیه فلسطینی و واداشتن حماس به تبعیت از مواضع و دیدگاه‌هایش جایگاه گذشته خود را در میان جهان عرب بازیابد.

- مجازات حماس به دلیل عدم پذیرش و امضای برگه سازش به ویژه آن که برخی از طرف‌های فلسطینی نیز همراهی‌هایی با رژیم مصر در این زمینه داشتند و این خشم و غضب رژیم مصر از حماس را دو چندان می‌کرد.

- خشم قاهره از تمایل حماس به پذیرش میانجیگری آلمان به جای مصر برای انعقاد قرارداد آزادی سرباز "گیلاد شالیت" که رژیم مصر این اقدام حماس را دهن کجی به نقش خود در حل این بحران تلقی می‌کرد.

*احداث دیوار فولادی از بعد انسانی و بشر دوستانه تبعات سنگینی برای مردم غزه دارد

الرتناوی تاکید می‌کند که سناریویی که اکنون در حال اجراست ادامه روند ساخت دیوار است و به نظر نمی‌رسد رژیم مصر از تصمیم خود در این زمینه صرف نظر کند و حتی انتظار می‌رود روند ساخت دیوار را سرعت بیشتری ببخشد و مقوله‌های گذشته از جمله حفظ حاکمیت ارضی و تحکیم و تقویت امنیت ملی مصر را دستاویزی برای توجیه عملکردهایش قرار دهد.

الرتناوی تبعات احداث دیوار را در دو بخش ملاحظه می‌کند:

1- فشار بر جنبش حماس

در این شک نیست که تکمیل احداث دیوار تبعات سنگینی بر جنبش حماس و حکومتش در نوار غزه و ساکنان غزه دارد.

در بعد امنیتی- نظامی این دیوار کارکردی بسان "دیوار حائل" دارد که در کرانه باختری احداث و بنا به ادعای رژیم صهیونیستی موجب کاهش عملیات‌های شهادت‌طلبانه و تضعیف قدرت گردان‌های مقاومت جهت قاچاق سلاح و ورود مبارزان به درون خط سبز شد.

در بعد انسانی و بشر دوستانه ساخت دیوار مشکلات ساکنان غزه را دوصد چندان خواهد کرد و محاصره نوار غزه را از پنج جهت تکمیل خواهد کرد و بدین وسیله نوار غزه از تامین بسیاری از نیازهای و مایحتاج زندگی‌اش بازخواهد ماند، به ویژه اگر در نظر داشته باشیم نوار غزه 60 درصد نیازمندی‌های غذایی و درمانی خود را از طریق تونل‌ها و ارتباط آنها با مصر تامین می‌کند.

نویسنده معتقد است که در بعد سیاسی انتظار می‌رود، اتمام احداث دیوار تاثیر مستقیمی بر آغاز دور جدید تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک جهت آغاز مجدد روند سازش و امضای قرارداد آزادی شالیت و گشودن گذرگاهها با ایفای نقش مصر و طرف‌های عربی و بین‌المللی بگذارد و شاید بدین وسیله اتمام احداث دیوار بر دیدگاه‌های حماس تاثیر بگذارد و این جنبش را وادار به تسلیم کند.

*احداث دیوار فولادی باعث ضربه خوردن وجهه و جایگاه بین‌المللی مصر خواهد شد

2- فشار پیشگیرانه علیه مصر

در این زمینه الرتناوی با این که معتقد است که احداث دیوار طرف‌های فلسطینی و از جمله حماس را در فشار و تنگنا قرار خواهد داد و عامل اصلی این بحران رژیم مصر است اما همین امر خشم غضب مصری‌ها و فلسطینی‌ها و افکار عمومی جهان را به دنبال خواهد داشت که افزون بر بروز بحران‌های داخلی در مصر به وجهه و جایگاه بین‌المللی این کشور نیز ضربه وارد خواهد کرد و در این میان حماس بی‌شک از شرایط پیش آمده به نفع خود بهره‌بردار خواهد کرد.

الرتناوی تاکید می‌کند: ساخت دیوار تشکیلات خودگردان را نیز به چالش خواهد کشاند چرا که تشکیلات خودگردان را در بحران به بن بست رسیدن روند صلح و از بین رفتن گزینه مذاکرات و از سرگیری شهرک‌سازی و رد راه حل تاسیس دو کشور توسط رژیم صهیونیستی گرفتار خواهد دید.

و سرانجام مدیر مرکز تحقیقات سیاسی قدس معتقد است که این ناکامی‌ها گریبانگیر واشنگتن نیز خواهد شد به ویژه آن که رئیس جمهور آن به دنبال یافتن راه حلی برای قضیه فلسطینی است. اینجاست که برای اوپاما راهی جز عذرخواهی به دلیل ناکامی در طرح‌ها و نادرستی پیش‌بینی‌هایش باقی نمی‌ماند و تلاش‌های "جورج میچل" برای ایجاد اعتماد متقابل به وقوع فاجعه انسانی در نوار غزه منتهی خواهد شد و همین آمریکا را وادار خواهد کرد، برای حفظ وجهه بین‌المللی خود به دنبال یافتن راهکاری جدید باشد تا خود را از این بحران نجات دهد.